سرمقاله



مدیریت
فالوده خوری
ناصر بزرگمهر
nbozorgmehr@yahoo.com
به نام او که هرچه بخواهد همان می‌شود

می گویند یک روزی سلطان محمود غزنوی با ژست و تفاخر به وزیرش گفت: به نظرم در سرزمینی که من حاکم آن هستم کسی نیست که فالوده نخورده باشد؟

وزیرش گفت: به نظر من، خیلی زیاد هستند.

سلطان محمد گفت: بیا شرط ببندیم و ببینیم کسی هست که تا به حال فالوده نخورده باشد؟

وزیر قبول می‌کند و سلطان محمود با اصرار می‌گوید: فکر می‌کنم، تو اشتباه می‌کنی و با هم سر یک صد سکه طلا شرط می‌بندند و قرار می‌شود از نخستین عابر، هرکسی بود بپرسند.

سربازان شاه از قصر بیرون می‌روند و نخستین کسی را که از آنجا رد می‌شده و یک مسافر بوده، می‌گیرند و به داخل قصر و نزد شاه می‌آورند.

سلطان محمود از اون بنده خدا می‌پرسد که میدونی فالوده چی است؟

روستایی ساده دل می‌گوید: والا من نمی‌دونم، ولی در ده ما یکی هست که شهر زیاد میاد، او می‌گفت توی شهر یه چیزی هست به نام حموم، این حتما همون حمومه و حتما چیز خیلی خوبیه.

وزیر می‌خندد و می‌گوید: اعلیحضرت شرط را که باختید، اما باید دو برابر سکه بدهید.

سلطان محمود می‌گوید، حالا چرا دو برابر؟

وزیر می‌گوید: چون این فالوده نخورده بود، ولی حموم هم ندیده بود و نمی‌دونست چی است؟

قصه فالوده نخوردن و حموم ندیدن شهروند سلطان محمود غزنوی، حکایت بعضی از مدیران و مسئولین ما با مردم است، گاهی حرف‌هایی می‌زنند که معلوم است با خودشان قیاس می‌کنند و کوچک‌ترین آشنایی با دردهای روزمره مردم ندارند.

البته آقایان و چندتایی خانم در دولت‌ها، که همه امکانات را داشته و از خط ویژه عبور می‌کنند و هرگز به بازار میوه و تره بار نرفته و تا امروز در صف نان و پنیر و روغن و تخم‌مرغ نایستاده اند، چه می‌دانند که مردم فالوده نخورده‌اند و حموم ندیده‌اند.

با یک بررسی ساده در زندگی مسئولین و مدیران پرتلاش و خصوصا آنها که مثل سخنگوی محترمه، مرتبا افاضات برای مردم عرضه می‌کنند، می‌توانیم بفهمیم که زندگی آنها مثل سرمایه‌داران و ثروتمندان، بر محور فالوده خوری اداره می‌شود.

فلان کس که چهل پنجاه سال است که مسئول شده و به هیچ عنوان هم زین اسب قدرت را به جوان‌تر از خود واگذار نمی‌کند و فقط گاهی این میز را با آن میز بزرگ‌تر عوض می‌کند و از این مسئولیت به آن مسئولیت می‌خزد و از این هیات مدیره به آن هیات مدیره نقل مکان می‌کند و چنان تشنه خدمت است که به هیچ عنوان وصله شیفته قدرت هم به او نمی‌چسبد و متاسفانه در این سی چهل پنجاه سال خدمت، حتی فرصت بازنشستگی هم پیدا نمی‌کند، چه برسد به اینکه برای خرید عدس و نخود و لوبیا و گوشت و برنج به بقالی و قصابی برود، معلوم است که از درد روزمره مردم عادی بی‌خبر مانده است.

متاسفانه خدمت کردن این افراد عاشق قدرت، حتی این فرصت را هم به‌وجود نمی‌آورد که صبحانه و ناهار و شام را هم با منزل بخورند، منزل اسم دوم خانواده است.

نیم قرن است که ناهار فقط جوجه و کباب برگ در اداره و جلسه می‌خورد و حالش از هرچه رنگ تعلق به این غذاهای چرب و چیلی دارد، بهم می‌خورد و بدبختانه چاره‌ای هم ندارد و بازهم امروز و فرداها باید بخورد. دلش برای یک خورش ساده لک می‌زند، اما وقتی دستور می‌دهد، بازهم خورش را با جوجه و برگ و کوبیده می‌آورند و دوباره مجبور می‌شود همان کباب‌ها را بخورد که بیت المال، حیف و میل نشود.

می گویند میوه و سبزی خوردن کمی گران شده است، اما او هر وقت از خیابان می‌گذرد، میوه‌های زیادی در میوه فروشی‌ها می‌بیند که زیر روشنایی لامپ ها، خیلی هم مرغوب و درشت هستند و همه جا هم فراوان است.

پسته و بادام هم حتما ارزان است که هنوز روی میز پذیرایی از مهمانان در اداره گذاشته می‌شود، گردو هم که حتما مفت است، که هر روز صبح در میز صبحانه همراه با املت و کره و مربا و خامه و حلیم و چند تا آت آشغال دیگه با نون سنگک کنجدی به وفور روی میز او می‌گذارند.

به همین دلایل است که رفاه خیلی زیاد شده، سفرکردن هم آسان شده، می‌پری سوار هواپیما میشی و میری کیش و مشهد و اصفهان و شیراز و اونور آب.

چه هتل‌های خوبی هم ساخته شده، توی همین تهران، هتل هست که رونالدو هم ازش تعریف کرده، توریست‌ها عاشق هتل دوره صفوی اصفهان هستند، هتل در شیراز با منظره حافظ و سعدی وجود دارد، کیش که نگو، میتونی از پنجره آن، برج الخلیفه را هم ببینی، در مشهد که قربونش برم، از تو جکوزی هتل در طبقه آخر، می‌تونی سلام بدی، فقط این شمال هتل خوب نداره که اون هم، یکی ساخته شد که از طبقه آخر با خون بهای پدرت، می‌توانی با مجسمه پطرکبیرسلام علیک بکنی، ضمن این که شمال هتل نمی‌خواهد، همه ویلا شخصی دارند و اداره‌های دولتی زحمت کشیده‌اند و هر کدام چند هکتار ساحل و جنگل را گرفتند و برای کارکنان و مدیران، یک چیزهایی علم کردند که مفت مفت بروند و حالش را ببرند.

وقتی فلان مسئول می‌شنود که بلیط هواپیما گران شده ویک شب هتل به صدمیلیون هم رسیده، می‌گوید، که این‌ها دروغ رسانه‌های اونور آبی است، زیرا هرچه فکر می‌کند، یادش نمی‌آد که در این ده بیست سی چهل پنجاه سال نرخ بلیط هواپیما چند بوده و این چند هزار دفعه که سوار هواپیما شده را چقدر پرداخت کرده است؟ هواپیمای مفت، هتل مفت، غذای مفت، تازه هربار حق ماموریت ریالی و ارزی هم می‌دهند، که البته نسبت به خدماتی که انجام داده، تقریبا هیچ بوده است. حیف که این ملت و این روزنامه نگاران، قدر او را نمی‌دانند و از بیکاری می‌نشینند و یادداشت می‌نویسند.

اما جایگاه مردم و آن روستایی ساده دل در این پازل سلطان محمود غزنوی کجاست؟ و چگونه است که هرگز، یک بارهم کسی از خودش نمی‌پرسد، این فالوده، حمام، ارزانی و رفاه چی است که فقط سخنگویان دولت می‌بینند و چشم بقیه مردم باباقوری گرفته است و نمی‌بینند؟

هزار راه نرفته از دریا

اقتصاد دریا محور، که در ادبیات جهانی به‌عنوان اقتصاد آبی شناخته می‌شود، به معنای بهره‌برداری پایدار از منابع و پهنه‌های آبی از جمله اقیانوس‌ها، دریاها، دریاچه‌ها و جزایر برای دستیابی به رشد اقتصادی، ارتقای وضعیت معیشتی، ایجاد اشتغال و افزایش تولید ناخالص داخلی است. این مفهوم فراتر از فعالیت‌هایی نظیر شیلات و گردشگری دریایی بوده و شامل توسعه و حمایت از صنایع مرتبط با آب و دریا می‌شود؛ صنایعی همچون حمل و نقل دریایی، انرژی‌های تجدیدپذیر، آبزی‌پروری، بیوتکنولوژی دریایی، زیست‌هواشناسی، معدنکاری دریایی و موارد دیگر. توجه به اقتصاد دریا محور در تجارت بین الملل امری ضروری است و با توجه به پیشینه تاریخی ایران در عرصه دریا، توانمندی‌های فنی و سرمایه انسانی غنی، این حوزه می‌تواند بستری برای تقویت قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی کشور فراهم کند. دستیابی به این اهداف مستلزم بهره‌گیری صحیح و مؤثر از نیروی انسانی، ابزار و تجهیزات مناسب، زیرساخت‌های قانونی کارآمد و برنامه‌ریزی دقیق است. تحقق این امر نیازمند عزم ملی و هماهنگی میان تمامی نهادها و دستگاه‌های مرتبط است.

از سوی دیگر ۳۷ درصد مرزهای جمهوری اسلامی ایران در مجاورت آب‌ها است و ایران با داشتن ۴ هزار و ۹۰۰ کیلومتر نوار ساحلی در جنوب که باعث دسترسی به آب‌های آزاد از طریق خلیج‌فارس و دریای عمان می‌شود. همچنین ۸۹۰ کیلومتر خط ساحلی در شمال و دسترسی به دریاچه کاسپین بزرگ‌ترین دریاچه جهان مزیت بزرگی برای اقتصاد دریای ایران محسوب می‌شود.

از سوی دیگر ۷ استان با حدود ۲۵ درصد مساحت کشور شامل سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر و خوزستان در جنوب و همچنین گلستان، مازندران و گیلان در شمال در امتداد نوار ساحلی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین توجه به این ظرفیت جغرافیایی سیاسی در برنامه‌ریزی برای پیشرفت مناطق همجوار با دریا ضروری است.

پرونده این شماره صمت به بهانه ۷ آذر روز نیروی دریایی به بررسی و ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های ایران در حوزه اقتصاد دریا پرداخته است.

اقتصاد دریا شاه کلید توسعه

فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر دریا و سواحل (اقتصاد دربا محور) با استفاده پایدار از ظرفیت‌های منابع آبی نظیر اقیانوس‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌ها می‌تواند به افزایش تولید، ایجاد اشتغال و بهبود معیشت کمک کرده و مسیر توسعه کشورها را هموارتر کند. ارتباط مستقیمی میان دسترسی دریایی کشورها و سطح پیشرفت اقتصادی و اجتماعی آنها وجود دارد.

کشورهایی که سطح توسعه‌یافتگی بیشتری دارند، همواره به پهنه‌های آبی متصل هستند. با این حال، دسترسی به آبراهه‌ها علت اصلی توسعه نیست اما می‌تواند نقش تسهیل‌کننده‌ای در رشد اقتصادی ایفا کند.

درحال‌حاضر بیش از ۹۰ درصد از تجارت جهانی از طریق حمل‌ونقل دریایی انجام می‌شود. بنادر نیز علاوه بر نقش محوری در حمل‌ونقل، تأثیر مهمی در مدیریت زنجیره تأمین داشته و سهم قابل‌توجهی در توسعه داخلی و خارجی کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌یافته دارند. توسعه دریامحور و اقتصاد آبی اخیراً بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته و در برنامه هفتم توسعه نیز به اهمیت آن اشاره شده است.



دریا؛ پیشران رشد اقتصادی

اقتصاد دریامحور یا اقتصاد آبی به مجموعه فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با دریاها، اقیانوس‌ها، سواحل و منابع آبی گفته می‌شود که شامل حمل‌ونقل دریایی، تجارت بین‌المللی، شیلات و آبزی‌پروری، گردشگری ساحلی، صنایع کشتی‌سازی، انرژی‌های تجدیدپذیر دریایی، خدمات بندری، فناوری‌های دریایی و بهره‌برداری مسئولانه از منابع طبیعی است. تفاوت اساسی این رویکرد با نگاه سنتی به منابع دریایی در آن است که توسعه اقتصادی را در کنار حفاظت از اکوسیستم‌های دریایی، عدالت اجتماعی و منافع نسل‌های آینده تعریف می‌کند. نمونه‌هایی مانند سنگاپور، هلند و کره جنوبی نشان می‌دهند که چگونه سرمایه‌گذاری هدفمند در زیرساخت‌های بندری، صنایع دریایی و فناوری‌های مرتبط می‌تواند یک کشور را به بازیگری اثرگذار در اقتصاد جهانی تبدیل کند.

سهم کشورها از اقتصاد دریا محور

در میان کشور محصور در خشکی، ۲۰ درصد از آنها جزء کشورهای توسعه‌یافته محسوب می‌شوند که همگی در اروپا قرار دارند. از میان این کشورها، تنها لیختن‌اشتاین به‌عنوان یک کشور محصور دوگانه در خشکی شناخته می‌شود، درحالی‌که سایر کشورهای اروپایی با یک واسطه به دریا دسترسی دارند. در قاره افریقا نیز ۳۸ کشور از میان ۵۴ کشور این قاره، ساحلی یا جزیره‌ای هستند. بیش از ۹۰ درصد واردات و صادرات افریقا از طریق دریا انجام می‌شود، به همین دلیل این قاره وابستگی شدیدی به مسیرهای آبی دارد. درحال‌حاضر، حدود ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای توسعه‌یافته از ظرفیت‌های مرتبط با دریا تأمین می‌شود. برخی کشورها حتی نیمی از تولید ناخالص داخلی خود را از این طریق به‌دست می‌آورند. بنابراین بهره‌گیری از ظرفیت‌های دریایی و سواحل می‌تواند نقش کلیدی در تسهیل مسیر دستیابی به توسعه اقتصادی ایفا کند. درحال‌حاضر، ارزش اقتصاد دریامحور در سطح جهان سالانه بیش از هزار میلیارد دلار تخمین زده شده است، در حالی که سهم ایران از این رقم حدود یک درصد است. با توجه به این آمارها، به نظر می‌رسد که هنوز فاصله قابل‌توجهی با تحقق یک چشم‌انداز مطلوب در این زمینه وجود دارد.

تاثیر اقتصاد دریا محور بر توسعه اقتصادی

آلبرت اوتو هیرشمن، اقتصاددان آلمانی، در نظریه رشد نامتعادل خود بیان می‌کند که هیچ کشور در حال توسعه‌ای به حدی از منابع و سرمایه کافی برخوردار نیست که بتواند به طور همزمان در تمام بخش‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری کند. او معتقد بود سرمایه‌گذاری باید به صورت هدفمند و در بخش‌ها یا صنایع منتخب انجام شود. در این رویکرد، منافع حاصل از سرمایه‌گذاری در صنایع و بخش‌هایی که بیشترین سود اقتصادی-اجتماعی را تولید می‌کنند می‌تواند منابع لازم برای پیشبرد توسعه در سایر بخش‌ها را فراهم آورد.

بنابراین، اقتصاد به شکلی نظام‌مند و تدریجی پیشرفت خواهد کرد. از این رو، اولویت باید به سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی اختصاص یابد که ارتباطات قوی‌تری با سایر بخش‌ها دارند، به ویژه از نظر پیوندهای پسین و پیشین. در این چارچوب، توسعه اقتصادی مبتنی بر دریا نیز از ظرفیت خاصی برخوردار است.

فرصت‌ها و ظرفیت‌های نهفته در بخش دریایی به میزانی چشمگیر هستند که می‌توانند به عنوان موتور محرک رشد در سایر بخش‌های اقتصادی عمل کنند.

به عبارتی دیگر، توسعه دریامحور باعث می‌شود که از یک سو منافع درآمدی قابل توجهی از طریق گسترش انواع فعالیت‌های مربوط به دریا برای کشورها فراهم شود، و از سوی دیگر با توجه به تعاملات متقابل آن با سایر بخش‌ها، موجب پیشرفت و شکوفایی دیگر صنایع و بخش‌های اقتصادی نیز گردد.

وضعیت فعلی و جایگاه ایران در بهره‌وری از دریا

جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم دسترسی از دو سوی شمال و جنوب به دریا از نظر بهره‌برداری از این نعمت خدادادی در رتبه مناسبی در جهان قرار ندارد. طبق آمارهای منتشر شده بین‌المللی هم‌اکنون در بیشتر کشورها، سهم حوزه دریا در تولید ناخالص ملی کمتر از ۱۰ درصد نیست که این رقم در کشورهای ساحلی پیشرفته مانند بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا و حتی آسیا به ۵۰ درصد هم می‌رسد و بیش از ۸۰ درصد از شهرهای بزرگ جهان که امروزه به عنوان قطب‌های تجاری شناخته می‌شوند، در مناطق ساحلی قرار دارند. این آمار نشان دهنده آن است که گستره‌های دریایی و به تبع آن اقتصاد دریامحور (blue economic) در رشد و رونق کشورها و شهرهای مختلف جهان نقشی مهم و محوری ایفا می‌کند.

زمینه‌های اشتغالزایی در بستر اقتصاد آبی شامل بخش‌های مختلف از جمله تجارت، حمل‌ونقل، گردشگری دریایی، شیلات و بهره‌برداری از منابع طبیعی، انرژی و همکاری‌های تجاری و اقتصادی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. علاوه بر این استفاده از سواحل دریا و امواج آن به عنوان منبع تولید برق یا ورزش‌های تفریحی، فعالیت‌های گردشگری در ساحل یا اعماق دریا و آب درمانی از مهم‌ترین منابع اشتغالزایی محسوب می‌شوند، به طوری که به ازای ایجاد یک شغل در بخش اقتصاد دریایی، چهار شغل جانبی ایجاد می‌شود. این درحالی‌است که سواحل آبی کشورمان با برخورداری از اهمیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک در مقیاس جهانی و منطقه‌ای، به عنوان یکی از مهم‌ترین نواحی ارزشمند، بدون استفاده باقی مانده است.

چگونه اقتصاد دریایی ایران را توسعه دهیم؟

توسعه خوشه‌های صنعتی در سواحل و ارتقای بنادر در راستای توسعه اقتصادی دریامحور منجر به تغییر مفهوم بندر از محلی برای تبادل کالا به قطب صنعت و تجارت شده و باعث می‌شود که کشور نقش مهمی در زنجیره‌های ارزش جهانی پیدا کند چرا که از نظر داگلاس نورث دست یابی به توسعه همه جانبه، جذب سرمایه و افزایش اشتغال پایدار در گرو داشتن جایگاه مناسب و اطمینان آور در مبادله با کشورهای جهان و همکاری سازنده با آنهاست، بنابراین اقتصاد دریا محور میتواند پایگاه اطمینان آفرینی در منطقه و جهان برای کشور ایجاد کند. در همین راستا هیات وزیران براساس سیاست‌های کلی توسعه دریامحور برنامه‌ای برای اجرای این سیاست‌ها تصویب کرده است اما بررسی این برنامه نشان می‌دهد؛ الزامات احصا شده در این گزارش به صورت کامل لحاظ نشده است و ابهاماتی در این برنامه وجود دارد.

همچنین یکی از واقعیت هایی که نباید در توسعه اقتصادی دریا محور فعالیتهای بین‌المللی است و نیازمند دیپلماسی فعال اقتصادی و ایجاد منافع مشترک با سایر کشورهای ذی نفع در این خصوص است، بنابراین این راهبرد باید با فرض مسئله تحریم ایران و محدودیت‌های حاصل از آن پیگیری شود بنابراین برنامه ریزان باید با تاکید بر این مهم به ارائه سناریوسازی در توسعه اقتصادی دریا محور بپردازند و این محدودیت را در برنامه‌ریزی خود لحاظ کنند. علاوه براین با توجه به محدود بودن منابع مالی توسعه اقتصادی دریا محور به ویژه در صورتی که نتوان به دلیل شرایط تحریم اقتصادی از تامین مالی خارجی بهره برد باید به اولویت بندی فعالیتهای اقتصادی دریامحوری پرداخت که درحال‌حاضر زیرساختهای آنها فراهم تر است و میتوانند زودتر به بازدهی رسیده و خود سرمایه توسعه سایر فعالیتهای اقتصادی دریا محور را تامین کنند.

عناصر کلیدی اقتصاد دریا محور

توسعه خوشه‌های صنعتی و بنادر بازرگانی از عناصر محوری اقتصاد مبتنی بر دریا به شمار می‌آیند که تقویت آنها مستقیماً به افزایش رشد و پیشرفت اقتصادی کمک می‌کند. نزدیکی به پهنه‌های آبی این امکان را برای کشورها فراهم می‌سازد تا صنایع صادرات‌محور ایجاد کنند، زیرا مجاورت با خطوط حمل‌ونقل، جابه‌جایی مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و محصولات نهایی را تسهیل می‌کند. به‌طور کلی، مناطق ساحلی در زنجیره‌های تأمین جهانی نقش اساسی ایفا می‌کنند و با توجه به ظرفیت بالایشان برای مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی، می‌توانند به عنوان محرکی برای توسعه منطقه‌ای عمل کنند. وجود ظرفیت‌هایی مانند حدود ۵۸۰۰ کیلومتر مرز دریایی، دسترسی کشور به آب‌های اقیانوسی و هم‌جواری هفت استان با سواحل، فرصتی کم‌نظیر در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران ایجاد کرده است. با این حال، این توانمندی‌ها تاکنون نقش قابل توجهی در توسعه کشور ایفا نکرده و سهم اقتصاد دریا در تولید ناخالص ملی بسیار محدود است.

بخش‌های اصلی اقتصاد دریا چیست؟

اقتصاد دریا به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: اقتصاد اقیانوسی و اقتصاد ساحلی. اقتصاد اقیانوسی شامل فعالیت‌هایی است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، وابسته به منابع حاصل از اقیانوس‌ها، دریاها و دریاچه‌های بزرگ هستند.

در مقابل، اقتصاد ساحلی به فعالیت‌هایی اشاره دارد که در مناطق ساحلی انجام می‌شوند. صنایع فعال در بخش اقتصاد اقیانوسی در جهان شامل صید آبزیان، فرآوری غذاهای دریایی، حمل‌ونقل دریایی، ساخت و تعمیر کشتی، استخراج نفت و گاز از منابع دریایی و گردشگری دریایی هستند.

علاوه بر این، برخی صنایع اقیانوسی نوظهور نیز وارد عرصه شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به آبزی‌پروری دریایی، استخراج نفت و گاز از اعماق و فراتر از اعماق معمول، انرژی باد فراساحلی، استخراج معادن بستر دریا و بیوتکنولوژی دریایی اشاره کرد.

وسعت اقتصاد دریایی ایران

وسعت خلیج‌فارس اندکی کمتر از ۲۴۰ هزار کیلومترمربع است که سومین خلیج بزرگ جهان به شمار می‌آید. همچنین دریای عمان با حدود ۹۰۰ هزار کیلومترمربع مساحت، پیشروی اقیانوس هند در خشکی‌های آسیای جنوب غربی است و دریای خزر نیز با مساحت حدود ۴۰۰ هزار کیلومترمربع، بزرگ‌ترین دریاچه جهان است.

گفتنی است ایران با احتساب جزایر خلیج‌فارس از ۵ هزار و ۸۰۰ کیلومتر خط ساحلی برخوردار است که ۴ هزار و ۹۰۰ کیلومتر آن در جنوب و مابقی در شمال قرار دارد و از این حیث از موقعیتی منحصربه‌فرد در منطقه برخوردار است بر اساس پژوهش‌های صورت‌گرفته و آمارهای ارائه‌شده از سوی مراجع رسمی، کشور ایران در شمال و جنوب دارای بیش از ۵۷۹۰ کیلومتر خط ساحلی است. معادل یک‌چهارم مساحت کشور، دریای تحت حاکمیت وجود دارد و بیش از ۲۰۰ میلیون کیلومترمربع اقیانوس و دریای آزاد به‌صورت مشاع قابل بهره‌برداری است. بنابراین، می‌توان در تعاریف مصطلح علوم دریایی، جمهوری اسلامی ایران را کشوری دریایی به‌حساب آورد.

دریا نه‌تنها یکی از بزرگ‌ترین دارایی‌های راهبردی ایران محسوب می‌شود، بلکه سواحل مناسب آن نیز بستری ایده‌آل برای بهره‌برداری در زمینه‌های مختلف اقتصادی فراهم کرده‌اند. در همین راستا، رهبر معظم انقلاب نیز بارها بر اهمیت اقتصاد دریامحور تأکید داشته‌اند تا این موضوع در سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران جایگاه شایسته‌ای پیدا کند.

سخن پایانی

اقتصاد دریامحور، استفاده پایدار از ظرفیت منابع و گستره‌های آبی اعم از اقیانوس‌ها، دریاها، دریاچه‌ها و جزایر برای رشد اقتصادی، بهبود وضعیت معیشت و ایجاد اشتغال و در نهایت افزایش تولید ناخالص داخلی تعریف می‌گردد.

بنابراین، حوزه اقتصاد دریا مستلزم ظهور و حمایت از صنایع مرتبط با آب و دریا ازجمله حمل‌ونقل دریایی، گردشگری دریایی، انرژی‌های تجدیدپذیر، آبزی پروری و شیلات، بیوتکنولوژی دریایی، زیست هواشناسی و معدنکاری دریایی و البته حفظ و بازسازی محیط‌زیست دریا می‌باشد.

عدم اتکا به فروش نفت و عبور از اقتصاد تک محصولی، مهم‌ترین موضوعی است که در این دوران باید به آن توجه داشت. دریا به عنوان یکی از حوزه‌های مهمی است که می‌تواند محور اقتصاد ایران و جایگزینی برای صادرات نفت را فراهم آورد.

توسعه اقتصاد دریا محور با دارا بودن ظرفیت خلیج‌فارس، خرز، دریای عمان و اقیانوس هند، یک الزام است. با تغییر نگاه به دریا و شیوه بهره‌برداری از آن است که این مرز طولانی خواهد توانست فرصتی استثنایی برای تولید، اشتغال مولد و افزایش رفاه عمومی در کل کشور ایجاد کند.